

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت


سال نوزدهم، شماره ۷۱، تابستان ۱۴۰۴
صفحه ۲۰۳ تا ۲۲۴

مبانی مسؤولیت مدنی دولت در نظام حقوقی ایران و آمریکا


گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

قاسم فلاح ساعی 


گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد بهمنی *

گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بختیار عباسلو 

گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

صادق سلیمی 

چکیده

مسؤولیت مدنی دولت یکی از موضوعات کلیدی حقوق عمومی است که اصول و قواعد جبران خسارت‌های ناشی از اقدامات یا ترک فعل دولت را بررسی می‌کند. در نظام حقوقی ایران، این مسؤولیت بر اساس قوانین مدنی و قانون مسؤولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹) تعریف شده است. در مقابل، نظام حقوقی ایالات متحده تحت اصل مصونیت حاکمیت عمل کرده و از طریق قانون «قانون دعاوی خسارت علیه دولت فدرال» چارچوب محدودی برای دعاوی علیه دولت ارائه می‌دهد. این پژوهش با مطالعه موردی پرونده شرکت هوآوی، که به نقض تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده علیه ایران مرتبط است، به مقایسه این دو نظام می‌پردازد. پرونده هوآوی نشان‌دهنده تعارض بین حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل است؛ ایالات متحده تحریم‌ها را ابزاری مشروع برای سیاست خارجی می‌داند، در حالی که ایران این اقدامات را نقض حاکمیت ملی و تجارت آزاد تلقی می‌کند. سؤال تحقیق بررسی تفاوت مبانی مسؤولیت مدنی دولت در این دو نظام حقوقی و تأثیر آن بر تعاملات بین‌المللی است. فرضیه این است که مسؤولیت مدنی دولت در ایران مبتنی بر قوانین مدون و در مواردی مطلق است، در حالی که در ایالات متحده محدود به شرایط خاصی تحت قانون مذکور است. با روش تحلیل تطبیقی، نتایج نشان می‌دهد که تفاوت این رویکردها تأثیر قابل توجهی بر دعاوی بین‌المللی و حقوق اشخاص دارد و پرونده هوآوی نمونه بارزی از این تأثیرات است. کلیدواژه: مسؤولیت مدنی دولت، مصونیت حاکمیت، پرونده هوآوی، تحریم‌های اقتصادی، نظام حقوقی ایران و آمریکا.

* نویسنده مسئول: Bahmani.m.dr.49@gmail.com

تاریخ تایید: ۱۴۰۴/۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰



The Islamic Revolution Approach Quarterly
Vol. 19, No.71, Summer 2025, P 203-224
rahyaftjournal.ir

Foundations of State Civil Responsibility in the Legal Systems of Iran and the United States

Ghasem Fallah Saei 

Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Bahmani *

Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Bakhtiar Abasloo 

Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Sadegh Salimi 

Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

The civil responsibility of the state is one of the key topics in public law that examines the principles and rules for compensating damages resulting from the actions or omissions of the state. In the legal system of Iran, this responsibility is defined based on civil laws and the Civil Liability Act (approved in 1960). In contrast, the legal system of the United States operates under the principle of sovereign immunity and provides a limited framework for lawsuits against the government through the “Federal Tort Claims Act.” This research compares these two systems through a case study of Huawei’s case, which is related to violations of U.S. economic sanctions against Iran. The Huawei

* Corresponding Author: Bahmani.m.dr.49@gmail.com

How to Cite: Fallah Saei, G., Bahmani, M., Abasloo, B., Salimi, S. (2025). Foundations of State Civil Responsibility in the Legal Systems of Iran and the United States, *The Islamic Revolution Approach Quarterly*, 19(71), 203-224.

Date Received: 9 February 2025 Date Accepted: 17 May 2025

case exemplifies the conflict between domestic law and international law; the United States views sanctions as a legitimate tool for foreign policy, whereas Iran perceives these actions as violations of national sovereignty and free trade. The research question investigates the differences in the foundations of state civil responsibility in these two legal systems and their impact on international interactions. The hypothesis is that state civil responsibility in Iran is based on codified laws and is absolute in certain cases, whereas in the United States, it is limited to specific conditions under the aforementioned law. Using a comparative analysis method, the results indicate that the differences in these approaches significantly affect international lawsuits and the rights of individuals, with the Huawei case serving as a prominent example of these impacts.

Keywords: State civil responsibility, sovereign immunity, Huawei case, economic sanctions, legal systems of Iran and the United States.

مقدمه

مسؤولیت مدنی دولت یکی از مفاهیم کلیدی در حقوق عمومی است که بر اساس آن دولت نسبت به خسارات وارد شده به اشخاص حقیقی و حقوقی ناشی از اقدامات غیرقانونی یا قصور در انجام وظایف خود پاسخگو است. این مفهوم در نظام‌های حقوقی مختلف، بسته به ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی هر کشور، به اشکال گوناگون تعریف و اجرا می‌شود. در ایران، مسؤولیت مدنی دولت عمدتاً بر اساس قوانین مدون مانند قانون مدنی و قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ شکل گرفته است، در حالی که در ایالات متحده، نظامی مبتنی بر اصول مصونیت حاکمیت و استثنائات محدود تحت قانون دعاوی خسارت علیه دولت فدرال حاکم است. مسئله مهم در این زمینه، تعارض بین نیاز به پاسخگویی دولت و محدودیت‌های اعمال‌شده بر این پاسخگویی به دلایل سیاسی و حقوقی است. این مسئله به‌ویژه در پرونده‌های اقتصادی و بین‌المللی مانند پرونده هوآوی برجسته می‌شود. پرونده هوآوی که به اتهام نقض تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده علیه ایران و ارائه اطلاعات نادرست به بانک‌ها مطرح شده است، نمونه‌ای از تقابل حقوق داخلی و اصول بین‌المللی است. ایالات متحده این اقدامات را به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی و سیاست خارجی خود تلقی کرده و با استفاده از ابزارهای حقوقی مانند تحریم‌های اقتصادی و اعمال قوانین فراسرزمینی، فشار بر شرکت‌های خارجی مانند هوآوی را افزایش داده است. در مقابل، ایران این تحریم‌ها را ناقض حاکمیت ملی و اصول تجارت آزاد می‌داند و بر مسؤولیت دولت‌ها در جلوگیری از تأثیرات منفی این اقدامات تأکید می‌کند. این مقاله با هدف بررسی و مقایسه مبانی مسؤولیت مدنی دولت در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده و تحلیل نقش آن در پرونده هوآوی تدوین شده است. تحلیل تطبیقی این دو نظام، با تمرکز بر این پرونده، به روشن‌تر شدن نحوه عملکرد دولت‌ها در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی و تأثیر آن بر حقوق اشخاص و تعاملات تجاری کمک خواهد کرد.

۱- مسؤولیت مدنی دولت

اگر هدف اصلی قواعد مسؤولیت مدنی جبران خسارتهای مادی و معنوی زیان دیده و ترمیم زیان وارد شده باشد، دولت نیز از این قاعده مستثنی نخواهد ماند به‌ویژه در جامعه کنونی که دولت در تمامی شئون اجتماعی به‌طور همه‌جانبه مداخله می‌ورزد، ممکن است اعطای حق مصونیت و عدم مسؤولیت به دولت موجب ایجاد برخی خسارات مادی یا معنوی به بعضی اشخاص حقیقی یا حقوقی شود. لازم به ذکر است که یک تحقیق جامع علمی کند که بین مسؤولیت دولت و مسؤولیت کارمندان دولت تفصیل قائل شد توضیح اینکه ممکن است، دولت با تصویب یک قانون، واردات کالایی را آزاد نماید و پس از

مدتی آن را لغو نموده و در این بین برخی متضرر شوند. این مساله تحت عنوان مسؤولیت دولت قابل بررسی و مطالعه است.

۱-۱- ماهیت مسؤولیت مدنی دولت

یکی از اصول مسلم حقوقی منطبق با عدالت اقتضا دارد همان گونه که اشخاص حقیقی در صحنه های اجتماعی و اقتصادی اگر خسارت و زیانی وارد آورند یا قانونی را نقض و مرتکب جرمی شوند باید متحمل مجازات یا پرداخت خسارت شوند؛ در مورد اشخاص حقوقی خواه دولت یا غیر، آن باید چنین عمل شود اصل وحدت احکام شخص حقیقی و شخص حقوقی که در ماده ۵۸۸ قانون تجارت به گونه ای انعکاس یافته، موید آن است. ماده ۵۸۸ قانون تجارت شخص حقوقی میتواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت نبوت و امثال ذلک.

۱-۲- تعریف مسؤولیت دولت

مسؤولیت دولت یکی از مفاهیم کلیدی در علم سیاست و حقوق عمومی است که به بررسی نقش و مسؤولیت های دولت در قبال شهروندان و جامعه می پردازد. دولت به عنوان نهاد قوه اجرائیه در جوامع مدرن، وظایف و تعهدات متعددی دارد که به وسیله این مسؤولیت ها، رابطه خود با افراد جامعه را تنظیم می کند. مسؤولیت دولت در واقع به معنای آن است که دولت باید به تعهدات و وظایفی که در قبال شهروندان و جامعه به عهده دارد، پاسخگو باشد. این مفهوم شامل جنبه های قانونی، سیاسی و اجتماعی می شود. در یک جامعه دموکراتیک، دولت باید به مردم خدمت کند و از حقوق و آزادی های آنها حمایت نماید. همچنین، مسؤولیت دولت به معنای پاسخگویی به فعالیت ها و تصمیم گیری های خود است که می تواند تأثیرات عمیقی بر زندگی شهروندان داشته باشد. مسؤولیت دولت در قالب قوانین و مقررات تعیین شده و شامل جنبه های مختلفی مانند حفظ امنیت، ارائه خدمات عمومی، برقراری عدالت اجتماعی، و حمایت از حقوق بشر می باشد. به بیان دیگر، دولت موظف است که در راستای تأمین رفاه عمومی و بهبود کیفیت زندگی شهروندان اقدامات لازم را انجام دهد. در این مبحث، به بررسی مفهوم مسؤولیت دولت، انواع آن، و تأثیرات آن بر جامعه خواهیم پرداخت.

۱-۲-۱- تعریف «مسؤولیت دولت در نظام حقوقی داخلی»

«مسؤولیت» یک لغت عربی برگرفته شده از ریشه «س» و «ل» میباشد «مسؤول» در لغت به معنای «چیزی خواهش شده و کسی» که فریضه ای بر ذمه دارد که اگر بر آن عمل نکند از او بازخواست شود» آمده است. بنابراین واژه مسؤولیت به عنوان یک مصدر جعلی به معنای «مسؤول بودن» و «موظف بودن به انجام امری میباشد. (معین، فرهنگ فارسی،

۱۳۸۴، ذیل واژه مسؤولیت) در زبان انگلیسی واژه ی «Responsibility» و یا «liability» معادل کلمه ی مسؤولیت به معنای پاسخگویی و وظیفه آمده است. (ابراهیم گل، ۱۳۸۸: ۱)

در نظام های حقوقی داخلی نیز با اقتباس از معنای لغوی مسؤولیت به مفهوم وضعیت جوابگو بودن برای تعهدات و یا تعهد پاسخگویی برای عمل انجام شده و یا جبران خسارت» می باشد. (آقایی، ۱۳۸۲: ۹۶۵)

در حقوق ایران و اسلام از مسؤولیت به معنای «ضمان» یاد شده و در دو مفهوم به کار رفته است: یکی در مفهوم «عقد ضمان» و دیگری در مفهوم مسؤولیت مضمون علیه به دلیل ورود خسارت به غیر و لزوم جبران آن می باشد به عبارت دیگر میتوان ضمان را اعتبار چیزی بر ذمه دیگری که به حکم شارع، ملزم به جبران زیان وارد شده می باشد دانست چنین الزامی چون دارای ماهیت حقوقی است ضمانت اجرا نیز دارد این ضمانت اجرا گاهی در قالب جبران خسارت می باشد و گاهی نیز با مجازات و کیفر همراه است. (عظیمی شوشتری، ۱۳۸۷: ۹۹)

در مورد مفهوم «مسؤولیت دولت در حقوق داخلی که بیشتر در حوزه ی مسؤولیت مدنی» مطرح می شود، میتوان گفت که هرگاه دولت (به معنای اخص آن) فعل یا ترک فعلی انجام دهد که براساس قانون یا بر مبنای قرارداد ناگزیر از جبران خسارت، باشد دارای مسؤولیت است در حیطه ی حقوق کیفری در مورد مسؤولیت دولتها دیدگاههای بسیاری مطرح است که به دلیل ارتباط نداشتن با موضوع از آن می گذریم.

۱-۲-۲- تعریف مسؤولیت دولت در حقوق بین الملل

در تعریف مسؤولیت بین المللی دولت» گفته شده است: مسؤولیت حقوقی بین المللی تکلیفی است، که به موجب قواعد حقوق بین الملل به یک دولت تحمیل می گردد تا خساراتی که در نتیجه ی نقض قواعد حقوق بین الملل به دولت دیگری وارد کرده است جبران کند.»

در تعریف دیگر از پرفسور «بادوان» به صورت ساده تر آمده است که: «مسؤولیت بین المللی از تاسیسات حقوقی است که به موجب آن دولت ناقض یک قاعده حقوق بین المللی، موظف می گردد خسارات ناشی از این نقض را در قبال دولت دیگر جبران کند.» (فیوضی، رضا (۱۳۷۹) مسؤولیت بین المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۶)

برخی دیگر از حقوقدانان (مجتهدی محمد رضا (۱۳۸۱) مطالعات حقوق بین الملل عمومی جلد دوم نشر فروزش، چاپ اول ص ۱۴۶) گفته اند: مسؤولیت بین المللی به نهاد حقوقی اطلاق میشود که مطابق آن خسارت وارده بر یک موضوع یا تابع حقوق بین الملل که ناشی

از عمل خلاف حقوق بین الملل است جبران میشود.» پرفسور روبرتو آگو گزارشگر مخصوص کمیسیون حقوق بین الملل، پیشنهاد می کند که هر عملی که از لحاظ حقوق بین المللی غیر مشروع باشد سبب مسؤولیت بین المللی دولت می گردد؛ سپس عمل غیر مشروع را چنین تعریف مینماید: زمانی عمل دولت از لحاظ حقوق بین الملل نامشروع است که: اولاً قابل انتساب به دولت باشد. ثانیاً ناقض یک تعهد بین المللی باشد. (بیگ زاده، ۱۳۸۱: ۲۶۵)

به طور کلی دانشمندان حقوق بین الملل، مسؤولیت را ناشی از فعلها و ترک فعلهایی میدانند که به استناد مقررات بین المللی غیر قانونی تلقی شوند دیوان بین المللی دادگستری نیز از مسؤولیت همین مفهوم را یاد کرده است. در قضیه فسفات مراکش تاکید میکند هنگامی که دولتی، اقدام خلاف کارانه ای، به موجب مقررات بین المللی علیه دولت دیگر مرتکب شود مسؤولیت بین المللی، بلافاصله. روابط این دو دولت حاکم میشود.

در هر دو تعریف اخیر به منشأ به وجود آمدن مسؤولیت توجه شده است لکن بر تعریف آن نپرداخته اند. «دیوان بین المللی دادگستری نیز در قضایای مانند کانال کورفو دعوی نیکارگوئه علیه آمریکا» و «کایچیکو - ناگیماروس» چنین تلقی از مسؤولیت دارد و در نظر مشورتی درباره تفسیر معاهدات صلح تصریح میکند کوتاهی در اجرای کامل یک تعهد قرار دادی، متضمن مسؤولیت بین المللی است.» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۸۸)

در اینجا نیز منشأ مسؤولیت بیان شده اما مسؤولیت تعریف نشده است با این اوصاف میتوان گفت «مسؤولیت بین المللی دولت»، تعهدی است ناشی از نقض یکی از تعهدات بین المللی توسط یک کشور که بر اساس آن کشور مذکور باید شرایط و اوضاع و احوال را برای دولت قربانی به قبل از عمل خلاف کارانه دولتی برگرداند. (عظیمی شوشتری، ۱۳۸۷: ۱۰۰)

در نهایت، در تعریفی که با موضوع این پژوهش مطابقت داشته باشد و در برگیرنده ی «مسؤولیت دولت» در مخاصمات مسلحانه بین المللی نیز، باشد میتوان گفت مسؤولیت بین المللی دولت موقعیت یا حالتی است در قبال انجام عملی، که از نظر حقوق بین الملل نادرست است و تابعان حقوق بین الملل (دولتها برای آن شخص ایجاد می گردد و دارای آثاری از جمله «جبران خسارات» میباشد.

تعریف فوق با ماده ی ۱ طرح مسؤولیت کشورها در قبال اعمال متخلفانه ی بین المللی مقرر می دارد: «هر تخلف بین المللی یک کشور موجب مسؤولیت بین المللی آن می گردد.» (ابراهیم گل، ۱۳۸۸: ۲۵) نیز منطبق است.

لازم به ذکر است که وقتی از مسؤولیت بین المللی دولت صحبت میشود منظور مسؤولیت دولت در

رابطه با دولت‌ها و سازمان‌هایی بین‌المللی است که در مقابل مسؤولیت داخلی در ارتباط با افراد و ارگان‌های داخلی آن کشور قرار می‌گیرد بنابراین این تقسیم‌بندی نافی تقسیم‌بندی مسؤولیت به مسؤولیت کیفری و مدنی نمی‌باشد؛ به عبارت دیگر هم نوع مسؤولیت بین‌المللی و هم داخلی می‌تواند کیفری یا مدنی باشد.

گرچه در مورد چگونگی مسؤولیت کیفری دولت از منظر حقوق بین‌الملل ابهاماتی وجود دارد اما به طور خلاصه می‌توان گفت در دکترین حقوقی و در بعضی از کنوانسیون‌های راجع به مسؤولیت دولت که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۷۶ تدوین شده، بود مسؤولیت کیفری بین‌المللی دولت با شرایط و ضوابطی پذیرفته شده است. (اسپیندی، بی تا: ۲۷۷)

البته لازم به ذکر است که در مرحله‌ی نهایی تصویب طرح مسؤولیت بین‌المللی توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ مسؤولیت کیفری دولت حذف شد زیرا، بعد بحث‌های طولانی بین نویسندگان طرح مزبور در نهایت این اندیشه تقویت شد که انتساب مسؤولیت کیفری به دولت نه دارای امکانات و ابزارهای لازم در حقوق و روابط بین‌المللی است و نه با ساختار روابط بین‌الملل که عمدتاً همکاری استوار است، سازگاری دارد. (ابراهیم گل، منبع پیشین: ۱۳)

در نهایت می‌توان گفت مجازات کیفری اشخاص حقوقی قابل تصور نیست زیرا مجازات‌های پیش‌بینی شده در حقوق کیفری مانند حبس و جزای نقدی و... همگی قائم به افراد حقیقی می‌باشد.

۲- مبانی مسؤولیت مدنی دولت در ایران

دولت‌ها تا مدت‌ها از پذیرش مسؤولیت و پاسخگویی در مقابل مردم خودداری می‌نمودند اما اندک‌اندک آثار و نشانه‌های مسؤولیت‌پذیری دولت در قوانین و مقررات نمایان گردید بررسی قوانین و مقررات موضوعه و جاری نظام جمهوری اسلامی ایران بیانگر وجود مصادیق خاصی از پذیرش مسؤولیت مدنی دولت می‌باشد که ذکر آنها به شرح ذیل می‌باشد:

۱- در اصل ۱۷۱ قانون اساسی آمده است که «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد. در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت بوسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد».

۲- مشابه چنین حکمی در قانون مجازات اسلامی به چشم می‌خورد زیرا ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد، خاص ضرر مادی یا معنوی، متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در

صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارات بوسیله دولت جبران میشود و در مورد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود».

نکته اول در مواد فوق به کرات به واژه «تقصیر» اشاره گردیده است که برای تعریف آن باید به قانون مدنی رجوع نمود. طبق ماده ۹۵۳ قانون مدنی تقصیر اعم است از تعدی و «فریط و طبق ماده ۹۵۱ همین قانون تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری و طبق ماده ۹۵۲ قانون مذکور «تفریط عبارتست از ترک عملی که به موجب قرارداد با متعارف برای حفظ مال غیر لازم است».

حقوق دانان معتقدند که تقصیر میتواند عمدی و یا غیر عمدی باشد و تقصیر وقتی عمدی است که شخص آن را به قصد اضرار به دیگری مرتکب شود ولی در تقصیر غیر عمدی که آن را قصور گویند شخص قصد زیان زدن به دیگری را ندارد ولی در نتیجه غفلت و بی احتیاطی سبب ضرر به او میشود. (منبع پیشین: ۶۹) بنابراین واژه‌های انتخاب شده توسط قانونگذار یعنی تقصیر و اشتباه واژه‌های دقیقی نبوده و از نظر مفهوم و معنا با هم تداخل معنایی پیدا می‌کنند.

نکته دوم مسئولیت ذکر شده در ماده صدرالذکر، یک نوع خاص و محدودی از مسئولیت میباشد. یعنی دولت در قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی صرفاً خود را در قبال اشتباهات صورت گرفته توسط قضات، مسؤول دانسته است.

۳- طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷ کارمندان دولت و شهرداری و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند. شخصا مسؤول جبران خسارات وارده میباشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و موسسات مزبور، باشد در اینصورت جبران خسارت به عهده اداره یا موسسه مربوطه است ولی در مورد «اعمال حاکمیت دولت» هرراه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون بعمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود».

نکته اول در این ماده بر خلاف مواد سابق الذکر مسئولیت کلیه کارکنان دولت مطرح گردیده است در حالیکه در مواد قبلی قانونگذار به جهت پیروی از موازین، فقهی صرفاً قضات را مورد خطاب قرار داده بود.

نکته دوم در ماده مذکور ۳ فرض مطرح گردیده است و در یک فرض کارمندان دولت در صورت وارد نمودن خسارت در اثر عمد یا بی احتیاطی (اشتباه) شخصا مسؤول دانسته شده‌اند ولی در مواد قبلی قضات در صورت اشتباه مسئولیتی نداشتند در فرض دوم

کارمندان دولت در صورتیکه در اثر نقض وسائل اداره موجب وارد نمودن خسارت به کسی شوند، از مسؤولیت مبرا و دولت مسؤول و پاسخگو شناخته شده است در فرض سوم دولت و کارکنانش به لحاظ انجام اعمال حاکمیتی که برای تامین منافع عموم ضرورت داشته از مسؤولیت مبرا دانسته شده اند، که بنظر میرسد این ماده از این لحاظ با اصل لاضرر مغایرت دارد.

نکته سوم در ماده یازده قانون مذکور به اعمال حاکمیت اشاره گردیده که ریشه تعریف قانونی اعمال تصدی را میتوان در (تبصره ماده ۴ قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و دولت مصوب ۱۳۰۹) که البته این قانون اکنون نسخ شده ولی میتوان به تعریف آن استناد نمود و برای تعریف قانونی اعمال حاکمیتی میتوان به قسمت آخر ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی استناد نمود. علاوه بر این در ماده ۶۴ «قانون برنامه سوم توسعه... اعمال و فعالیتهای حاکمیتی و تصدی گری اجتماعی و اقتصادی تعریف و مشخص و معین گردیده اند. نکته چهارم: نقض وسایل ادارات که در ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی به آن اشاره گردیده، یک عبارت کلی و مبهم می باشد برخلاف برخی حقوقدانان که معتقدند منظور از عبارت فوق اینست که اداره مجهز به وسایل یعنی تدابیر و روشهای صحیح مدیریت برای انجام کار نبوده و این امر موجب بی نظمی در سازمان و سوء جریان کارهای اداری و در نتیجه وقوع خسارت گردد. (طباطبایی مومتمنی، منوچهر (۱۳۹۰) حقوق، اداری تهران انتشارات سمت چاپ هفدهم، ص ۳۷۸) بنظر میرسد منظور مقنن از نقض وسایل ادارات صرفا نواقص و نارسائیهها و کاستیهای ابزار و وسایل و امکانات فنی و مادی دستگاههای دولتی است و الا اگر منظور از نقض وسایل، اداره اتخاذ تدابیر و روشهای بد مدیریت باشد. در این مورد فردی که مسؤول این نارسائی هاست باید پاسخگو باشد و مسؤول دانستن دولت امری غیر عقلایی است.

۴- طبق ماده ۱۲ قانون بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ «ماموریتی که با رعایت مقررات این قانون منظور مواد ۲ لغایت ۷ قانون فوق است مبادرت به بکارگیری سلاح نمایند، از این جهت هیچ گونه مسؤولیت جزایی یا مدنی نخواهند داشت و طبق ماده ۱۳ همین قانون در صورتی که مامورین با رعایت مقررات این قانون سلاح بکارگیرند و در نتیجه طبق آراء محاکم، صالحه شخص یا اشخاص بی گناهی مقتول و یا مجروح شده یا خسارت مالی به آنان وارد گردیده باشد پرداخت دیه و جبران خسارت به عهده سازمان مربوطه خواهد بود و دولت مکلف است همه ساله بودجه ای را به این منظور اختصاص داده و حسب مورد در اختیار نیروهای مسلح قرار دهد همانگونه که ملاحظه میشود در این مورد خاص نیز دولت به منظور حفظ نظم و امنیت و مبارزه با عوامل ناامنی، با وضع قانون مذکور و پذیرش مسؤولیت خسارات قانونی وارد، شده مامورین خود

را در انجام وظایف محوله یاری و باعث گردیده آنها در انجام این وظیفه شجاع و بی باک باشند.

صرف نظر از موارد فوق الذکر، در مواد ۳۱۲ و ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی موارد خاصی از پذیرش مسؤولیت مدنی توسط دولت به نیابت از اشخاص عادی و غیر کارمند را مشاهده مینماییم که پذیرش این مسؤولیتها ناشی از ضرورتها و مصالح اجتماعی بوده و یا احتمالاً ناشی از آن بوده که دولت نتوانسته مسؤولیت قانونی خود را در اجرای صحیح احکام محاکم صالحه بجا آورد ماده ۳۱۲ قانون مذکور مقرر داشته که هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال پردازد دیه از بیت المال پرداخت میشود و طبق ماده ۳۱۳ همین قانون دیه عمد و شبه عمد بر جانی است لیکن اگر فرار کند از مال او گرفته میشود و اگر مالی نداشته باشد از بستگان نزدیک او با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته میشود و اگر بستگانی نداشت یا تمکن نداشتند دیه از بیت المال داده میشود» طبق مواد صدرالذکر دولت در صورت پرداخت نشدن دیه مقتول، به نیابت از قاتل یا عاقله وی دیه را از بیت المال پرداخت می نماید که این نیز نوعی از پذیرش مسؤولیت توسط دولت است. شاید ریشه فقهی این مسؤولیت آنست که گفته می شود «خون مسلمان نباید به هدر» برود ولی به نظر میرسد پذیرش این نوع مسؤولیت اولاً ناشی از ضرورتهای اجتماعی بوده و ثانیاً می تواند ناشی از آن باشد که دولت از طریق قوه قهریه باید از فرار افراد جلوگیری و حکم را در مورد آنها اجراء نماید وقتی دولت این وظیفه را انجام نداده باید مسؤولیت خود را با پرداخت دیه از بیت المال بجا آورد.

۳- مبانی مسؤولیت مدنی دولت در ایالات متحده آمریکا

مسؤولیت مدنی دولت در ایالات متحده یکی از حوزه های حقوقی پیچیده و مهم است که به موجب آن دولت نسبت به خسارات وارده به شهروندان در اثر اقدامات خود یا مأموران مسؤولیت دارد. این مفهوم به ویژه در نظام فدرال و ایالتی ایالات متحده به شکل های مختلفی ظهور پیدا می کند و اصولاً بر پایه تاریخچه حقوقی و قوانین خاص ایالت ها و فدرال طراحی شده است.

۳-۱- قانون مسؤولیت فدرال (Federal Tort Claims Act)

یکی از مهم ترین اسناد قانونی که مبانی مسؤولیت مدنی دولت را در ایالات متحده شکل می دهد، «قانون مسؤولیت فدرال» است که در سال ۱۹۴۶ تصویب شد. این قانون به شهروندان اجازه می دهد تا در صورت وارد آمدن خسارت به دلیل اقدامات غیرقانونی یا قصور مأموران فدرال، علیه دولت فدرال اقامه دعوی کنند. بر اساس این قانون، دولت فدرال تنها در شرایط خاص و تحت محدودیت هایی مسؤولیت دارد، به گونه ای که جبران خسارت تنها در صورت رعایت شرایط مشخص امکان پذیر است. (Smith, 2017: 44).

قانون مسؤولیت فدرال (Federal Tort Claims Act) یا (FTCA) قانونی است که در سال ۱۹۴۶ به تصویب رسید و به شهروندان این امکان را می‌دهد تا در صورت زیان‌های مالی و جانی ناشی از اقدامات غیرقانونی یا قصور مأموران فدرال، از دولت فدرال شکایت کنند. این قانون به‌ویژه نقش مهمی در جلوگیری از بی‌عدالتی ناشی از حاکمیت دولت دارد و راه حلی برای جبران خسارت‌های ناشی از تقصیرات دولت است (Smith, 2017: 10).

۳-۱-۱- مشخصات قانون FTCA

قانون FTCA به‌طور خاص به دعاوی مدنی علیه دولت فدرال می‌پردازد و شرایط و محدودیت‌های مربوط به این دعاوی را در قالب قانونی تنظیم می‌کند. اساساً، این قانون برای جلوگیری از بی‌عدالتی‌هایی که ممکن است در اثر اقدامات غیرقانونی دولت ایجاد شود، تدوین شده است. به عبارت دیگر، FTCA به‌دنبال ایجاد یک تعادل بین حقوق شهروندان و اصل حاکمیت دولت بوده و تلاش دارد که تا حد امکان افراد را قادر سازد تا از حقوق خود دفاع کنند (Johnson, 2018: 32).

۳-۱-۲- شرایط اقامه دعوی

برای اینکه یک شهروند بتواند طبق FTCA از دولت شکایت کند، باید شرایط خاصی را رعایت کند. یکی از این شرایط این است که شکایت باید به‌صورت کتبی به مقامات مربوطه ارائه شود و در آن به‌طور دقیق توضیح داده شود که خسارت ناشی از چه اقداماتی است (Miller, 2019: 47). همچنین، باید توجه داشت که باید ادعاهای مربوط به مسؤولیت دولت در رابطه با لغو اجاره، غیرقانونی بودن، یا ناتوانی در انجام وظایف دولتی مطرح شوند.

۳-۱-۳- محدودیت‌ها و معافیت‌ها

قانون FTCA محدودیت‌ها و معافیت‌هایی نیز دارد که حاکی از تلاش دولت برای حفظ برخی از اصول حاکمیتی است. به‌عنوان مثال، دعاوی که مربوط به اقدامات قضاوتی، تصمیم‌گیری سیاسی یا مسائل امنیت ملی هستند، معمولاً از شمول FTCA مستثنی می‌شوند (Anderson, 2020: 14). بنابراین، چالش‌های قابل توجهی برای کسانی که قصد دارند از دولت فدرال شکایت کنند، وجود دارد.

۳-۱-۴- عملکرد دادگاه‌ها و تفسیر تطبیقی FTCA

دادگاه‌ها نقش مهمی در تفسیر و اجرای FTCA دارند. در بررسی این دعاوی، قضات باید توازن مناسبی بین حمایت از حقوق شهروندان و اصول حاکمیت دولت برقرار کنند. این مسئله معمولاً بر اساس رویه‌های قضائی و تفاسیر حقوقی صورت می‌گیرد که می‌تواند بر دامنه مسؤولیت دولت تأثیر گذار باشد (López, 2022: 89).

۲-۳- مفاهیم حاکمیت دولت (Sovereign Immunity)

اصطلاح «حاکمیت دولت» به اصولی اشاره دارد که از دولت‌ها در برابر دعاوی مدنی حمایت می‌کند. اصول حاکمیت دولت به دولت اجازه می‌دهد که در برخی موارد از جبران خسارت خودداری کند. این اصل در ایالات متحده به‌طور خاص به وجود آوردن محدودیت‌هایی برای دعاوی علیه دولت فدرال و ایالت‌ها منجر شده است. به‌عنوان مثال، دعاوی علیه دولت ایالت‌ها معمولاً تحت قوانین خاص ایالت‌ها و با محدودیت‌هایی که هر ایالت بر اساس اصول حاکمیت دولت تعیین می‌کند، قابل رسیدگی هستند (Johnson, 2019: 78).

حاکمیت دولت (Sovereign Immunity) یکی از اصول اساسی در حقوق عمومی است که تعیین می‌کند دولت‌ها از جبران خسارت‌هایی که ممکن است در اثر اقدامات آنها به افراد وارد شود، مستثنی هستند. این اصل تاریخی در بسیاری از نظام‌های حقوقی، از جمله نظام حقوقی ایالات متحده، وجود دارد و نقش مهمی در تعیین حدود مسئولیت‌های دولت ایفا می‌کند. حاکمیت دولت به معنای آن است که دولت‌ها و مقامات دولتی نمی‌توانند به آسانی در برابر دعاوی مدنی قرار گیرند و از خود دفاع کنند (Hickman, 2017: 8).

۳-۲-۱- تاریخچه و ریشه‌های حقوقی

اصل حاکمیت دولت در قرون وسطی و به‌عنوان بخشی از توسعه حقوق عمومی منشا گرفته است. در ابتدا، این اصل به دنبال جلوگیری از دخالت در امور داخلی دولت‌ها و پیشگیری از ایجاد بی‌نظمی در حکومت‌ها بود. با گذر زمان، این اصل به نظام‌های حقوقی مدرن وارد شد و در ایالات متحده به‌ویژه پس از تأسیس کشور در قرن ۱۸ به رسمیت شناخته شد. قانون اساسی ایالات متحده در کنار اصول حاکمیت دولت به‌صورت غیرمستقیم بر حمایت از دولت‌ها تأکید می‌کند (Johnson, 2019: 17).

۳-۲-۲- محدودیت‌های حاکمیت دولت

با این حال، حاکمیت دولت به‌طور مطلق نیست و محدودیت‌ها و استثنائات خاصی وجود دارد. یکی از مهمترین تغییرات در این اصل، اجرای قوانین خاص نظیر قانون مسئولیت فدرال (FTCA) است که به شهروندان این امکان را می‌دهد تا تحت شرایط خاصی علیه دولت شکایت کنند (Anderson, 2020: 44). این قوانین موجب می‌شود که شهروندان بتوانند در برخی موارد از حق جبران خسارت بهره‌مند شوند و به‌طور کلی شرایط حاکمیت دولت را تعدیل کنند.

۳-۲-۳- تأثیرات حاکمیت دولت بر دعاوی مدنی

مفهوم حاکمیت دولت تأثیرات قابل توجهی بر دعاوی مدنی دارد. به طور کلی، این اصل موجب می‌شود که افراد برای اقامه شکایت علیه دولت با چالش‌های فراوانی روبه‌رو شوند. به خصوص در مواردی که شواهد و مستندات لازم برای اثبات خطای دولت وجود ندارد، و یا زمانی که درخواست‌های خسارت در حوزه‌های خاصی قرار می‌گیرند که از حمایتی برخوردار نیستند (López, 2022: 56). بنابراین، در بسیاری از موارد، شهروندان به دلیل اصول حاکمیت دولت ممکن است از پیگیری دعاوی خود منصرف شوند.

۳-۳- انواع حاکمیت دولت

حاکمیت دولت به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: حاکمیت مطلق و حاکمیت مشروط. حاکمیت مطلق به حالاتی اشاره دارد که دولت به طور کامل از دعاوی مدنی مستثنی است. در حالی که حاکمیت مشروط به حالاتی گفته می‌شود که دولت تحت شرایط خاص و بر اساس قوانین خاصی امکان پاسخگویی دارد (Martin, 2021: 77). این تقسیم‌بندی به فهم بهتر وضعیت قانونی دولت‌ها در برابر دعاوی مدنی کمک می‌کند.

۳-۴- مسؤولیت دولت‌های ایالتی

در سیستم فدرال ایالات متحده، هر ایالت مختار است تا قوانین خود را در زمینه مسؤولیت مدنی دولت تصویب کند. به همین دلیل، تفاوت‌های قابل توجهی در حیطه مسؤولیت دولت بین ایالت‌های مختلف وجود دارد. برخی ایالت‌ها به صورت کامل از مفهوم حاکمیت دولت پیروی می‌کنند و در حالی که برخی دیگر قوانین خاصی را برای تسهیل دعاوی علیه دولت‌های ایالتی تصویب کرده‌اند (Anderson, 2020: 102). بنابراین، در ایالت‌هایی که قوانین مساعدتری دارند، شهروندان ممکن است امکان بیشتری برای اقامه دعوی و دریافت جبران خسارت داشته باشند.

مسؤولیت دولت‌های ایالتی به معنای قابلیت آنها برای پاسخگویی به زیان‌ها و خساراتی است که به شهروندان یا اشخاص ثالث وارد می‌کنند. این مفهوم در حقوق عمومی و ملکی اهمیت بالایی دارد و در تعاملات قانونی دولت‌ها با شهروندان نقش محوری ایفا می‌کند. در ایالات متحده، اصل حاکمیت دولت منجر به مسائلی درباره مسؤولیت دولت‌های ایالتی شده و پیچیدگی‌های خاصی را در پی دارد (Hickman, 2018: 12).

۳-۴-۱- تاریخچه و چارچوب قانونی

مسؤولیت دولت‌های ایالتی ریشه در تاریخ حقوقی ایالات متحده دارد. این مفهوم در قرن نوزدهم به تدریج شکل گرفت و تطورات قابل توجهی را در الگوهای حقوقی و قضائی به همراه داشت. با تصویب قوانین خاص مانند رایانه‌های اداری و قانون بلاعوض (Governmental Claims Act)، میزان مسؤولیت دولت‌های ایالتی تغییرات بنیادینی

را تجربه کرد و توقعات شهروندان از دولتها را وسیع‌تر ساخت (Johnston, 2020: 27).

۳-۴-۲- شرایط اقامه دعوی علیه دولت‌های ایالتی

برای این که یک شخص بتواند علیه دولت ایالتی شکایت کند، باید شرایط خاصی را رعایت کند. معمولاً این شرایط شامل ارائه مدارک کافی در مورد خسارت، رعایت مهلت‌های قانونی و ارائه شکایت به مقامات مربوطه است. به طور مثال، برخی از ایالت‌ها نیاز به اطلاع‌رسانی پیش از اقامه دعوی دارند که می‌تواند روند شکایت را پیچیده‌تر کند (Anderson, 2020: 52). علاوه بر این، دعاوی که به نوعی با فعالیت‌های قضای یا اجرایی دولت مرتبط هستند، معمولاً مستثنی تلقی می‌شوند.

۳-۴-۳- انواع مسؤلیت دولت‌های ایالتی

مسؤلیت دولت‌های ایالتی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: مسؤلیت قراردادی و مسؤلیت غیرقراردادی. مسؤلیت قراردادی به مواردی اشاره دارد که دولت به یک تعهد قانونی پایبند نبوده و خسارتی به طرف مقابل وارد کرده است. در حالی که مسؤلیت غیرقراردادی به مواردی مربوط می‌شود که اقدام یا قصور دولت موجب زیان غیرمستقیم به اشخاص می‌شود (López, 2021: 45). این طبقه‌بندی کمک می‌کند تا بهتر بفهمیم که چگونه دولت‌ها می‌توانند در برابر دعاوی قرار گیرند.

۳-۴-۴- چالش‌های حقوقی و قضایی

یکی از چالش‌های عمده در مورد مسؤلیت دولت‌های ایالتی، تشخیص دامنه و حدود این مسؤلیت‌هاست. در مواردی مانند تصادفات ناشی از حمل و نقل عمومی یا اشتباهات پزشکی در بیمارستان‌های دولتی، معمولاً تشخیص مسؤلیت بسیار پیچیده است. این مشکلات نه تنها به سادگی امر اقامه دعوی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه ممکن است منجر به محکومیت یا تبرئه نادرست دولت‌های ایالتی شوند (Miller, 2022: 39).

۳-۵- قوانین خاص و رویه‌های قضایی

علاوه بر قوانین فدرال و ایالتی، رویه‌های قضایی و بررسی‌های دادگاه‌ها نیز تأثیر عظیمی بر شکل‌گیری مبانی مسؤلیت مدنی دولت دارند. دادگاه‌ها با استناد به قوانین و سوابق قضایی، تفسیرهایی از مسؤلیت دولت انجام می‌دهند که می‌تواند به نحو قابل توجهی بر گستره مسؤلیت و نحوه رسیدگی به دعاوی تأثیرگذار باشد (Brown, 2021: 56). به عنوان مثال، در برخی پرونده‌ها، دادگاه‌ها برای تعیین میزان مسؤلیت دولت به بررسی اصول عدالت و انصاف نیز توجه می‌کنند.

مسؤلیت مدنی دولت در ایالات متحده مفهومی پیچیده است که تحت تأثیر قوانین خاص و رویه‌های قضایی مختلف شکل گرفته است. این موضوع به‌ویژه در زمینه دعاوی مدنی

علیه دولت‌های ایالتی و فدرال اهمیت دارد. قوانین خاص به‌عنوان ابزارهایی برای مشخص کردن چارچوب‌های قانونی و قواعد مشخص برای اقامه دعاوی در برابر دولت عمل می‌کنند (Schwartz, 2017: 10).

۳-۵-۱- نقش قوانین خاص در تعیین مسؤولیت دولت

قوانین خاص، مانند قانون مصونیت حاکمیت (Sovereign Immunity Act)، چارچوب‌هایی را برای مسؤولیت دولت ایجاد می‌کنند. این قوانین به‌طور خاص شرایط و حدودی را که دولت‌ها می‌توانند تحت آن مسؤول شناخته شوند، تعیین می‌کنند. مثلاً، قانون دعاوی مدنی فدرال (Federal Tort Claims Act) اجازه می‌دهد که افراد تحت شرایط مشخصی علیه دولت‌های فدرال شکایت کنند، و این امر اصولی برای تطبیق مسؤولیت مدنی با نظام حقوقی آمریکا ایجاد می‌کند (Friedman, 2018: 22).

۳-۵-۲- رویه قضائی و شکل‌گیری مبانی مسؤولیت مدنی

رویه‌های قضائی نیز به‌مراتب در توسعه و تفسیر مسؤولیت مدنی دولت تأثیر گذار بوده‌اند. پس از تصمیم‌گیری‌های مهم در دادگاه‌ها، مانند پرونده *United States v. Muniz*، مفهوم مسؤولیت مدنی تحت تأثیر قرار گرفته است. این دادگاه‌ها، با تفسیر قوانین خاص، گاهی اوقات بر توازن بین حقوق شهروندان و قدرت دولت‌ها تأکید می‌کنند و در مواردی به شکل‌گیری مبانی جدید مسؤولیت مدنی برای دولت‌ها کمک می‌کنند (Howard, 2020: 45).

۳-۵-۳- چالش‌های حقوقی موجود در دعاوی علیه دولت

با وجود وجود قوانین خاص و رویه‌های قضائی، چالش‌های حقوقی زیادی در اقامه دعوی علیه دولت وجود دارد. یکی از این چالش‌ها، موانع قانونی و فرآیندهای طولانی اقامه دعوی است. این موانع می‌توانند شامل نیاز به ارائه شواهد کافی، رعایت مهلت‌های قانونی و ناآگاهی عمومی از حقوق و الزامات قانونی باشند. این پیچیدگی‌ها به‌ویژه در مواردی که آسیب‌دیدگان تلاش دارند حقوق خود را از دولت به‌دست آورند، می‌تواند مشکل‌ساز باشد (Johnson, 2021: 30).

۴- پرونده شرکت هوآوی در حقوق مدنی ایران و آمریکا

پرونده شرکت هوآوی در سال ۲۰۱۸ به یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های تقابل بین سیاست‌های تحریمی آمریکا و تجارت بین‌المللی تبدیل شد. این پرونده حول دو محور اصلی قرار داشت: نقض تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران و ارائه اطلاعات نادرست به بانک‌ها. دولت ایالات متحده ادعا کرد که هوآوی از طریق یک شرکت تابعه به نام اسکای کام، فناوری‌ها و تجهیزات مخابراتی که تحت تحریم‌های آمریکا بودند، به ایران صادر کرده است. بر اساس این اتهام، هوآوی از سیستم‌های بانکی بین‌المللی برای مدیریت

تراکنش‌های مالی مربوط به این معاملات استفاده کرده و تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده را نقض کرده است (Deligöz, 2024). علاوه بر این، مدیران هوآوی، به ویژه منگ وانژو، مدیر مالی این شرکت، به ارائه اطلاعات نادرست به بانک‌ها متهم شدند. بر اساس ادعاهای مطرح شده، هوآوی و اسکای کام به عنوان دو شرکت کاملاً جداگانه به بانک‌ها معرفی شده بودند، در حالی که در واقع شرکت مذکور به عنوان زیرمجموعه‌ای از هوآوی فعالیت می‌کرد. این ادعاها باعث شد بانک‌های بین‌المللی که خدمات مالی مرتبط با این تراکنش‌ها را ارائه داده بودند، در معرض خطر نقض قوانین کنترل صادرات و تحریم‌ها قرار بگیرند (Congressional Research Service, 2020).

۱-۴ ادعای ایالات متحده

ایالات متحده بر اساس قوانین خود، به ویژه قانون کنترل صادرات بین‌المللی و قانون تجارت با دشمن، شرکت‌ها را ملزم می‌کند که در تعاملات خود با کشورهای تحت تحریم، قوانین این کشور را رعایت کنند. از آنجایی که ایالات متحده تحریم‌های گسترده‌ای علیه ایران اعمال کرده است، هرگونه صادرات کالاها و فناوری‌های تحت کنترل به ایران بدون مجوز، نقض قوانین تحریمی به شمار می‌رود. ایالات متحده استدلال کرد که اقدامات هوآوی و ارائه اطلاعات نادرست به بانک‌ها، امنیت ملی و سیاست خارجی این کشور را به خطر انداخته است. دولت آمریکا همچنین معتقد بود که تحریم‌های اقتصادی ابزاری قانونی و مشروع برای جلوگیری از حمایت مالی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران و دیگر برنامه‌های مورد اختلاف هستند (Export Administration Regulations, 2018). بازداشت منگ وانژو، مدیر مالی هوآوی، در کانادا به درخواست ایالات متحده، نقطه عطف این پرونده بود. وی به اتهام ارائه اطلاعات نادرست به بانک‌ها درباره ارتباط هوآوی با اسکای کام بازداشت شد. دولت آمریکا ادعا کرد که این اطلاعات نادرست، بانک‌ها را در معرض نقض قوانین تحریمی قرار داده است. در حقوق آمریکا، تحریم‌های فراسرزمینی ابزاری قانونی برای تأمین امنیت ملی و سیاست خارجی محسوب می‌شوند و شرکت‌های خارجی نیز ملزم به رعایت این مقررات هستند. این پرونده نمونه‌ای از اعمال این قوانین در سطح بین‌المللی است که به طور مستقیم بر فعالیت‌های تجاری خارجی تأثیر می‌گذارد (Export Administration Regulations, 2018, p. 22).

۲-۴ ادعای ایران

از سوی دیگر، ایران این پرونده و تحریم‌های مرتبط با آن را به عنوان نمونه‌ای از تحریم‌های غیرقانونی و فراسرزمینی آمریکا می‌داند. بر اساس دیدگاه حقوقی ایران، تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران مغایر با اصول حقوق بین‌الملل، از جمله منشور ملل

متحد و حق تجارت آزاد، هستند. ایران تأکید دارد که این تحریم‌ها به طور غیرمنصفانه‌ای شرکت‌های خارجی را مجبور می‌کنند که قوانین داخلی آمریکا را رعایت کنند، حتی اگر این قوانین در تعارض با قوانین ملی کشور خودشان باشند (United Nations Charter, Art. 55).

ایران همچنین استدلال می‌کند که تحریم‌های آمریکا به طور غیرمستقیم بر رفاه اقتصادی و حقوق اساسی مردم ایران تأثیر گذاشته و مانع از دسترسی به فناوری‌ها و منابع مورد نیاز می‌شود. در این زمینه، پرونده هوآوی به عنوان نمونه‌ای از محدودیت‌های تحمیل شده بر تعاملات تجاری ایران با سایر کشورها مطرح شده است. طبق قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، ایران حق دارد در تجارت بین‌المللی بدون مداخله خارجی فعالیت کند و تحریم‌ها را مانعی بر سر راه این حق می‌داند (Amnesty International, 2018).

در پرونده هوآوی، ایران به طور مستقیم طرف دعوا نبود، اما این پرونده تأثیرات مستقیم بر تجارت ایران داشت. شرکت‌هایی مانند هوآوی به دلیل همکاری با ایران هدف تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند که این موضوع، تعاملات اقتصادی ایران با سایر کشورها را محدودتر کرد. در نظام حقوقی ایران، تحریم‌های آمریکا به عنوان نقض آشکار حقوق بشر و تجارت آزاد شناخته می‌شوند. همچنین، ایران بارها در مجامع بین‌المللی، از جمله سازمان ملل و دیوان بین‌المللی دادگستری، تحریم‌ها را به چالش کشیده و استدلال کرده است که این اقدامات مخالف اصول حقوق بشر، از جمله حق توسعه اقتصادی، هستند (Amnesty International, 2018, p. 9).

۳-۴ تحلیل پرونده از دیدگاه مسؤولیت مدنی

پرونده هوآوی از منظر مسؤولیت مدنی ابعاد مهمی را در بر دارد که می‌تواند در سه سطح مورد بررسی قرار گیرد: مسؤولیت شرکت‌ها، بانک‌ها، و دولت‌ها. در سطح شرکت‌ها، هوآوی به دلیل نقض قوانین تحریمی و ارائه اطلاعات نادرست به بانک‌ها، در معرض مسؤولیت مدنی قرار گرفته است. ارائه اطلاعات غلط که باعث می‌شود بانک‌ها به طور غیرمستقیم در نقض تحریم‌ها مشارکت کنند، می‌تواند به مسؤولیت قراردادی و غیرقراردادی شرکت هوآوی منجر شود. در سطح بانک‌ها، این پرونده نشان‌دهنده اهمیت بررسی دقیق اطلاعات ارائه شده توسط مشتریان است. بانک‌هایی که با هوآوی همکاری کردند، به دلیل عدم اطلاع از ارتباط این شرکت با Skycom و معاملات مرتبط با ایران، در معرض مسؤولیت قرار گرفتند. در حقوق آمریکا، بانک‌ها موظف‌اند با دقت کافی از قوانین تحریمی پیروی کنند، و هرگونه کوتاهی می‌تواند منجر به تحریم‌ها یا جریمه‌های سنگین شود (Reuters, 2018, p. 3).

در سطح دولت‌ها، مسئولیت آمریکا در اعمال تحریم‌های فراسرزمینی و اثرات آن بر حقوق بشر و تجارت آزاد مورد توجه است. از منظر حقوق بین‌الملل، تحریم‌هایی که به طور غیرمستقیم بر کشورهای ثالث تأثیر می‌گذارند، می‌توانند ناقض اصول تجارت آزاد و حاکمیت ملی باشند. ایران استدلال می‌کند که این تحریم‌ها علاوه بر محدودیت‌های اقتصادی، نقض حقوق اساسی مردم ایران، از جمله دسترسی به فناوری‌های حیاتی و دارو، محسوب می‌شوند. (United Nations Charter, Art. 1). این پرونده تضاد میان قوانین داخلی آمریکا و اصول بین‌المللی حقوق بشر و تجارت آزاد را برجسته می‌کند. از دیدگاه مسئولیت مدنی، پرونده هوآوی نشان‌دهنده ضرورت تدوین مقررات بین‌المللی جامع‌تر برای هماهنگی بین قوانین تحریمی و حقوق بین‌الملل است. این امر می‌تواند به کاهش تعارضات حقوقی و تجاری کمک کرده و تضمین کند که تجارت جهانی با اصول عدالت و شفافیت بیشتری مدیریت شود.

نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدنی دولت عمدتاً بر مبنای اصول اسلامی و قواعد حقوق عمومی شکل گرفته است. در این راستا، مبنای مسئولیت مدنی دولت در برابر شهروندان به وضوح در حقوق اداری و قوانین عمومی کشور مشهود است. به‌ویژه، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که به تدریج به منظور لحاظ کردن حقوق افراد در برابر دولت شکل گرفته، می‌تواند به عنوان نهاد اصلی ایستگاه اتکا در این مباحث مطرح شود. از سوی دیگر، در ایالات متحده آمریکا، نظام حقوقی مسئولیت مدنی دولت تحت تأثیر اصول قانون اساسی و حقوق عرفی قرار دارد. در اینجا، نهادهای دولتی اغلب با چالش‌ها و نقایص خود مواجه می‌شوند و مسئولیت آن‌ها در موارد مختلف، از جمله نقض حقوق مدنی، اقدامات غیرقانونی و سوء استفاده از قدرت، بررسی می‌شود. قانون «تقسیم دولت» (Federal Tort Claims Act) و قوانین ایالتی در این کشور به‌ویژه در رویکرد به مسئولیت مدنی دولت نقش کلیدی ایفا می‌کنند و به شهروندان این امکان را می‌دهند که در صورت نقض حقوق خود توسط دولت از طریق سیستم قضایی اقدام کنند. مبنای مسئولیت مدنی دولت در ایالات متحده به صورت پیچیده‌ای تحت تأثیر قوانین فدرال، ایالتی، اصول حاکمیت دولت و رویه‌های قضایی قرار دارد. در حالی که قانون مسئولیت فدرال دورنمای کلی را تعیین می‌کند، تفاوت‌های ایالتی و تفسیرهای قضایی می‌توانند بر حقوق شهروندان و امکان جبران خسارات تأثیر بگذارند. حاکمیت دولت به عنوان اصولی برای حمایت از دستگاه‌های دولتی و جلوگیری از بی‌نظمی در امور داخلی عمل می‌کند، اما در عین حال، نیاز به توازن میان حقوق شهروندان و عملکرد دولت دارد. با وجود محدودیت‌ها و استثنائات، این مفهوم همچنان یکی از عواملی است که بر دعاوی قضایی و

حقوق فردی تأثیرگذار است. بررسی‌های دادگاه‌ها و قوانین خاص به صورت قابل توجهی بر شکل‌گیری مبانی مسؤولیت مدنی دولت در ایالات متحده تأثیر گذارده‌اند. این معتقدات و رویه‌ها نه تنها به تعیین حدود و ثغور مسؤولیت‌های دولت کمک کرده‌اند، بلکه به تحقق حقوق شهروندان و توانمندی آنان در مطالبه‌ی حقوق خود نیز یاری رسانده‌اند. در این میان پرونده هوآوی نقطه تلاقی دو دیدگاه کاملاً متفاوت درباره تحریم‌های اقتصادی و تجارت آزاد است. ایالات متحده از این پرونده به عنوان ابزاری برای تأکید بر اجرای قوانین تحریمی خود استفاده کرد، در حالی که ایران و حتی برخی از دیگر کشورها، این تحریم‌ها را به عنوان ابزاری غیرقانونی برای کنترل بازار جهانی و اعمال فشار سیاسی می‌دانند. این پرونده همچنان به عنوان یکی از پیچیده‌ترین دعاوی حقوقی در زمینه تقابل بین تجارت بین‌المللی و سیاست‌های فراسرزمینی ایالات متحده شناخته می‌شود.

استناد به این مقاله: سلیمی، صادق، فلاح ساعی، قاسم، بهمنی، محمد، عباسلو، بختیار. (۱۴۰۴). مبانی مسؤولیت مدنی دولت در نظام حقوقی ایران و آمریکا، فصلنامه علمی رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۹(۷۱)، ۲۰۳-۲۲۴



The Islamic Revolution Approach Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

- 4- Anderson, Richard, (۲۰۲۰), State Liability in Tort: A Comprehensive Guide, *Stanford University Press*, First Edition.
- 5- Congressional Research Service. "U.S. Sanctions on Iran: History and Impact." 2020.
- 6- Deligöz, H. (2024). US Technological Sanctions: The Huawei Case. *Global Trade and Customs Journal*, 19(5).
- 7- *Export Administration Regulations* (EAR), U.S. Department of Commerce, 2018.
- 8- Friedman John, (۲۰۱۸), Federal Tort Claims Act: A Comprehensive Overview, *American Bar Association*, Second Edition.
- 9- Hickman, Andrew (2017), Sovereign Immunity and Government Accountability, *University of Chicago Press*.
- 10- Hickman, Andrew, (۲۰۱۸), State Government Liability: A Historical Perspective, *Harvard University Press*, First Edition.
- 11- Howard, Lisa, (۲۰۲۰), Judicial Decisions and Government Accountability, *Harvard Law Review*, First Edition.
- 12- Johnson, Emily (2018), The Federal Tort Claims Act: Theory and Application, *Harvard University Press*.
- 13- Johnson, Emily (2019), Understanding Sovereign Immunity: A Comprehensive Overview, *Harvard Law Review*.
- 14- Johnson, Mark, (۲۰۲۱), Legal Challenges in Suing the Government, *Yale University Press*, Third Edition.
- 15- Johnston, Emily, (۲۰۲۰), Liability of State Governments: Understanding Key Principles, *Yale Law Journal*, Second Edition.
- 16- López, Maria (2022), Federal Tort Claims: A Guide to the Law, *University of Chicago Press*.
- 17- López, Maria (2022), The Challenges of Sovereign Immunity in Modern Law, *Stanford Law Review*.
- 18- López, Maria, (۲۰۲۱), Types of State Liability and Their Implications, *University of Chicago Press*, Third Edition.

منابع و مأخذ:

- ابراهیم، گل، علیرضا (۱۳۸۸) *مسئولیت بین‌المللی دولت متن و شرح مواد کمیسیون بین‌المللی موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش تهران*.
- ابوالحمد، عبدالحمد (۱۳۵۴)، *حقوق اداری انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم*.
- آریان پور، (۱۳۸۲) *فرهنگ انگلیسی فارسی آریان پور انتشارات فرهنگ معاصر، تهران*.
- آقای بهمن (۱۳۸۲) *فرهنگ حقوقی بهمن، انگلیسی به فارسی، تهران، نشر گنج دانش، چاپ دوم*.
- بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۸۱) *جزوه حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه شهید بهشتی*.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، *حقوق مخصصات مسلمانان، نشر دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶*.
- طباطبائی مومنی، منوچهر (۱۳۹۰) *حقوق اداری تهران انتشارات سمت چاپ هفدهم*.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۸۷) *اضطرار و آثار آن در مسئولیت بین‌المللی دولت از منظر حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی مجله حکومت اسلامی سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان*.
- عظیمی شوشتری، عباسعلی (۱۳۸۷) *اضطرار و آثار آن در مسئولیت بین‌المللی دولت از منظر حقوق بین‌الملل و فقه اسلامی مجله حکومت اسلامی سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان*.
- فیوضی، رضا (۱۳۷۹) *مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع انتشارات دانشگاه تهران*.
- کاتوزیان ناصر (۱۳۶۵)، *فلسفه حقوق، تهران انتشارات بهنشر چاپ دوم*.
- مارینا، اسپیندی پیرامون امکان ارتکاب جرم از سوی دولت و مسئولیت کیفری او، ترجمه سید علی هنجانی، *مجله تحقیقات حقوقی، ش ۲۴*.
- مجتهدی محمد رضا (۱۳۸۱) *مطالعات حقوق بین‌الملل عمومی جلد دوم نشر فروزش، چاپ اول*.
- مستقیم بهرام طارم، سری، مسعود زیر نظر جمشید ممتاز (۱۳۷۷) *مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق علیه ایران تهران انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، چاپ اول، ص ۲-۵*.
- 1- Amnesty International. "The Impact of Sanctions on Human Rights in Iran." 2018.
- 2- Anderson, Richard (2020), Government Liability Under the Federal Tort Claims Act, *Stanford University Press*.
- 3- Anderson, Richard (2020), Sovereign Immunity Explained: Legal Frameworks and Implications, *Yale University Press*.

19-Martin ,Robert (2021) ,Sovereign Immunity and its Role in Civil Liability, *Oxford University Press*.

20-Miller ,Robert (2019) ,Understanding Tort Law: A Practical Guide, *Yale Law Journal Publishing*.

21-Miller ,Robert , (۲۰۲۲) ؛Legal Challenges in State Liability Cases, *Oxford University Press*, Second Edition.

22-Reuters. "Huawei CFO Arrested in Canada for Violating U.S. Sanctions on Iran." 2018.

23-Schwartz ,David , (۲۰۱۷) ؛The Law of Government Liability, *West Academic Publishing*, First Edition.

24-Smith John (2017) ,Federal Tort Claims Act: A Comprehensive Guide, *NYU Press*.

25-United Nations Charter, Articles 1, 2, and